

نظر ما درباره ی مسئله ی آذربایجان و ایران

سید جعفر پیشه وری

توضیحات مترجم:

نهضت ملی دموکراتیک آذربایجان در سال های ۲۴ و ۲۵، ورقی زرین و جاودانه در تاریخ تلاش های عدالت جویانه و آزادی خواهانه ستمدیدگان آذربایجان، ایران و کل منطقه است. ارتجاع ایران برای آن که از تأثیر ایده های عدالت خواهانه و دموکراتیک آن بر روی ساکنان نقاط دیگر جلوگیری کند، از همان آغاز بخشی از خواست های نهضت، یعنی خواست انجمن های ایالتی و خودمختاری داخلی آذربایجان را به شکلی تحریف شده برجسته کرد و به عنوان تجزیه طلبی جلوه داد تا بتواند به لشکرکشی صلیبی علیه آن بپردازد. زمین دارانی که آقایی و «زمین هایشان» از دست رفته بود، دست در دست سردمداران بازار، اشرافیت گنبدیده، رجال وطن فروش، ناسیونالیست های افراطی فارس و... قرار دادند و فریاد وای میهن سر دادند. امپریالیسم آمریکا و استعمار انگلیس – که بزرگ ترین دشمنان استقلال ایران بودند، به «وطن خواهان» پیوستند و نهضت در خون ده ها هزار دهقان و کارگر و زحمتکش و روشن فکر آزادی خواه غرقه شد...

اینک ۶۰ سال از این ماجرای خونین می گذرد. بسیاری از آنان که مدعیان آزادی خواهی اند هنوز نمی خواهند و یا شجاعت آن را نیافته اند که تاریخ مظلوم این جنبش مظلوم را بازبینی کنند. زهر کشنده ناسیونالیسم افراطی، گاهی

عدالت خواهی ها و آزادی طلبی ها را نیز در سایه قرار داده است. ۲۱ آذر هنوز هم قبل از آن که نخستین اصلاحات ارضی و نخستین برابر حقوقی زن و مرد در خاور زمین و نخستین حاکمیت مردم ساده زحمتکش را تداعی کند، مسئله خودمختاری را به ذهن می آورد. هنوز هم شیخ «تجزیه»، هم چنان مانع از شناخت واقعی این نهضت عظیم است.

مقاله ای که ترجمه آن تقدیم خوانندگان می شود، یکی از صدها و شاید هزاران نوشته و اظهار نظر رهبران و کوشندگان نهضت آذربایجان درباره ی اتهام تجزیه خواهی است. این مقاله زمانی نوشته شده است که حسین علا، یکی از بدنام ترین رجال آن دوران به تشویق تقی زاده مشهور و پشتیبانی نمایندگان انگلیس و آمریکا، تلاش کرد علیرغم دستور دولت ایران، با طرح مسئله آذربایجان در شورای امنیت، آن را به مسئله ای بین المللی تبدیل کند و زمینه را برای سرکوب جنبش فراهم آورد. پیشه وری که در هر فرصتی می کوشید توهم آفرینی و توطئه سازی های مرتجعین داخلی و خارجی را خنثی کند، این مقاله را همان هنگام به زبان آذربایجانی در روزنامه آذربایجان- ارگان فرقه دموکرات منتشر کرد.

ترجمه فارسی این مقاله برای نخستین بار در نشریه آذربایجان (نشریه آزادی خواهان آذربایجان ایران. شماره ۱، مهر ۷۸) چاپ شد و پس از آن بارها و بارها با حذف یادداشت های مترجم و با برخی تغییرات جزئی در نشریات گوناگون منتشر گشت. با توجه به حسن استقبالی که در این سال ها از آن شده است، اینک این ترجمه را پس از بازبینی مجدد به خوانندگان تقدیم می کنیم. ترجمه از روی متن منتشر شده در مجموعه «۲۱ آذر» (چاپ ۱۳۴۰) انجام گرفته است. کلمات داخل [] را من برای سهولت درک مضمون به متن افزوده ام.

نظر ما درباره مسئله آذربایجان و ایران

سید جعفر پیشه وری

همزمانی جنبش ملی - دموکراتیک ما با خاتمه جنگ بزرگ جهانی موجب گفت گوها و هیاهوهای شدیدی در بازار سیاست جهانی گشته است. نهادهای دیپلماتیک و مطبوعاتی دول کوچک و بزرگ، این بار نیز می کوشند جهت تأمین منافع خود و برای گل آلود کردن آب و ماهی گرفتن از آن، شایعات حیرت آور و خبرهای شگفت انگیزی درباره نهضت دموکراتیک ما بپزند و به خورد بشریت دهند. نهضت آذربایجان که واقعاً امری مربوط به تکامل و تعالی داخلی ایران است، توسط سیاستمداران سودجو از پشه ای به فیلی تبدیل گردانیده شده و در چشم جهانیان به صورت یک ماجرای عظیم بین المللی در آورده شده است.

سازمان های مستقیم و یا غیر مستقیم مقاماتی که برای در اسارت نگاه داشتن ملت های ضعیف، مکیدن خون ملت های عقب مانده و مستعمره کردن کشورهای آنان تلاش می کنند- حتی نمی خواهند از ایجاد یک ماجرای بزرگ جنگی از این موضوع صرف نظر کنند. ما نمی توانیم نطق های حسین علاء _ که خود را سفیر ایران می داند _ و نطق های دایه های مهربان تر از مادر _ یعنی نمایندگان انگلیس و آمریکا در شورای امنیت _ را ساده تلقی کنیم. این جا، نقض خشن حق ملت های ضعیف در تعیین سرنوشت خود، توسط نیروهای متحد ارتجاع داخلی و خارجی به شکل خشنی خود نمایی می کند.

علاء با نطق خود به عنوان نماینده ی حقیقی عناصر خائن و وطن فروش دست پرورده امپریالیست ها در کشورهای ضعیف، از آشکار کردن سیمای حقیقی خود شرم

نمی کند. این رفتار پست او را نیز نمایندگان دول بزرگ، با نقض نزاکت بین المللی سازمان می دهند و از این طریق حتی از جریحه دار کردن احساسات مردم صلح جوی ایران نیز واهمه نمی کنند.

تلاش علاء برای نگهداشتن مسئله [آذربایجان] را در شورای امنیت- علیرغم انتشار اعلامیه صریح و آشکار دولت ایران مبنی بر تأیید خروج ارتش سرخ از ایران، و اقدام او برخلاف اطلاعیه رسمی دولت [متبوع] خود، نشان می دهد که در ایران غیر از دولت رسمی، دولت دیگری نیز وجود دارد که علاء با اتکاء به آن می کوشد به استقلال و حق حاکمیت ملت خاتمه دهد.

خروج کامل نیروهای اتحاد شوروی از ایران چنان حقیقتی است که حتی دیپلمات هایی نیز که شورای امنیت را تا درجه شورای ضد امنیت تنزل داده اند، قادر به انکار صریح آن نیستند. گفت گوهایی که علیرغم این موضوع در شورای امنیت جریان دارند، فی نفسه کاری بسیار مشکوک و خطرناک است و این نیز یک حقیقت است. واقعاً رفتار آقایانی که در شورای امنیت نشسته اند آن اندازه سبک و بی مزه است که حتی انسان ها ساده نیز آغشته بودن این رفتارها به غرض های زهرآلود را احساس می کنند. روشن است که ما به عنوان عضوی از عالم بشریت نمی توانیم به سیاست های مرموزی که جهان را به طرف دریای خون جدیدی سوق می دهد با خونسردی نگاه کنیم، ولی جانب مورد توجه و علاقه ما اساساً آن بخشی است که مستقیماً به وطن ما مربوط می شود.

ما همیشه گفته ایم و اکنون نیز صریحاً می گوئیم: ما به طور جدی به ایران و تمامیت ارضی آن علاقمندیم. اگر از طرفی خدشه ای به آن وارد شود شاید جدی تر و فداکارانه تر از ساکنان ایالت های دیگر ایران - برای جلوگیری از آن [خدشه] اقدام خواهیم کرد. با این حال هرگز حاضر نیستیم از دفاع از ملت، زبان و آداب و رسوم و خصوصیتیمان - به شرط آن که کشورمان یعنی ایران را خدشه دار نکند- صرف نظر کنیم. این جا چیزی که مغایر با قانون و حق حاکمیت خلق های ایران باشد وجود

ندارد. برعکس اگر ما خود را با دست خودمان اداره کنیم، چه بسا این امر بتواند به تکامل و تعالی ایران رشد بیشتری دهد. نهضت ملی ما دیگر از چارچوب ملی خارج شده و مقام پیشاهنگی جنبش دموکراتیک ایران را احراز کرده است. اکنون دیگر عموم مردم ایران شروع به درک این موضوع و معنای حقیقی آن کرده اند. گفت گوهای آغاز شده در تهران موجب روشن شدن ابهامات و سوء تفاهماتی گشته که دشمنان ما به طرق و بهانه های گوناگون ایجاد کرده اند. این گفت گوها حسن تفاهمی اساسی میان خلق آذربایجان و ایرانیان بیرون از آذربایجان به وجود آورده است. این حسن تفاهمات علیرغم تلاش های مذبوحانه مرتجعین داخلی و خارجی روز به روز عمق می یابد و نتایج مثبتی می دهد.

در چنین شرایطی هیاهوی خارجیان و تلاش آنان برای تبدیل این مسئله ساده به یک مسئله جهانی، جز هدفی پنهانی علیه ایران چیز دیگری نمی تواند باشد.

در این میان رادیوی ترکیه بیشتر از دیگران برای خرابکاری در روندها حرارت به خرج می دهد. لحن این رادیو ما را جدا به فکر و می دارد. کسانی که تا دیروز از وارد کردن هیچ تهمت و افتزایی به ما ابا نمی کردند، امروز می کوشند با معرفی آذربایجان به عنوان یک دولت مستقل و با دروغ پردازی های گوناگونی درباره انتشار نهضت ما در سراسر ایران، افکار جهانیان را تیره سازند.

ما در همان روزهای آغاز جنبش دموکراتیکمان نوشته بودیم که “دهان افندی های عثمانی بیهوده آب نیفتند. از این نمذ برای آن ها کلاهی نمی شود.” آذربایجان هر چه هم که بخواهد به شرط ماندن در داخل ایران می خواهد. بالاخره ما به هر زبان که سخن بگوییم، هر هدفی داشته باشیم، بر اساس ایرانی بودن و ماندن در چارچوب ایران خواهد بود. هر اندازه که تفاهم میان ما و حکومت مرکزی بیشتر می گردد، اضطراب و نگرانی آنکارا شدت می گیرد. برخی خبرنگاران آمریکایی نیز چندان

راضی به نظر نمی رسند. ما رابطه ای حقیقی میان رادیو آنکارا، مخبرین آمریکایی، حسین علاء و سخنان نماینده استرالیا در شورای امنیت احساس می کنیم، به نظر ما این رابطه تصادفی نیست. قطعاً همه این ها از سرچشمه واحدی آب می خورند و با آموزش های مشاق (رهبر ارکستر) عمومی معینی است که آنان این نغمه های ناسازگار روز افزون را سر داده اند.

علیرغم این ها ما در جوار تداوم نهضتی که آغاز کرده ایم، نمی توانیم از تلاش برای حل صلح آمیز اختلافاتمان با حکومت مرکزی صرف نظر کنیم. حتی اگر خدای نکرده در نتیجه تحریکات خائنانه عناصر ارتجاعی ایران قرار بر آن شود که مسئله با نیروی سلاح حل گردد، ما باز اجازه دخالت نیروهای بیگانه در امور داخلی خود را نخواهیم داد.

اگر مرتجعین ترکیه می خواهند خلق ترک را به آغوش استعمارگران آمریکایی ببندازند، ما حرفی نداریم. لیکن ما در فکر آن نیستیم که خلق آذربایجان را از ایران جدا کنیم. ترک ها^۱ بفهمند و صدای خائنانه شان را ببرند و ما را به حال خود بگذارند. ما بارها گفته ایم: مسئله آذربایجان بایستی فقط در آذربایجان و دخالت مستقیم خلق آذربایجان حل شود.

این حق مشروع و قانونی ایران و آذربایجان موضوعی نیست که به شورای امنیت مربوط باشد.

اگر قرار بر آن باشد که شورای امنیت در اختلافات داخلی تمام کشورها دخالت کند، آن وقت ما ایرانیان نیز- به اعتبار حضورمان در صفوف ملل متحد- خواهان آن هستیم که بر اعتصابات روز افزون آمریکا نظارت کنیم. ما نیز اختیارات گسترده رئیس جمهور آمریکا را از یکسو موجب خدشه دار گشتن صلح و امنیت جهانی و از

^۱ - منظور از ترکها، نه توده ترک، بلکه رهبران ارتجاع وقت ترکیه آن دوره است که در کنار ارتجاع ایران باشکال گوناگون علیه نهضت آذربایجان مبارزه کرد. رادیو آنکارا مانند رادیو دهلی بلندگوی ارتجاع ترکیه و جهانخواران غرب بود. در صفحات روزنامه آذربایجان به فتنه انگیزی های رادیو آنکارا اشاره شده است.

سوی دیگر ضربه ای بزرگ به نظام دموکراسی جهانی ارزیابی کرده، از شورای امنیت تقاضای محدود کردن این اختیارات را داریم. از آن جا که ما ملت کوچکی هستیم این قبیل ادعاهای ما می تواند خنده دار به نظر رسد، ولی مداخله استرالیا - کشوری که هنوز [حتی] دارای استقلال حقیقی نیست و شایستگی خود به استقلال را نیز نشان نداده است- در امور داخلی ایران که دارای چندین هزار سال تاریخ و استقلال است، اگر مسخره نیست پس چیست؟

سیاست نو استعماری آمریکا و حرص و ولع آن کشور برای انحصار نفت جهان به هر قیمت، بشریت را به سوی خطرهای بسیار بزرگ سوق می دهد. این سیاست با جنبش ساده و طبیعی مردم صلح جوی ما نیز مخالف می ورزد. این مخالفت، برای ما افتخاری در برابر بشریت است و برای آن دیپلمات ها و نمایندگان مطبوعات که به اشاره انگشت شرکت های نفتی حرکت می کنند، یک سقوط اخلاقی است.

ما جماعت شرق نتوانسته بودیم تا شروع این جنگ، آمریکا و تمدن آنرا به قدر کافی بشناسیم. حرکات سبک نظامیان آنان در پایتخت - که حکم مهمان ناخوانده را داشتند- و رفتار کثیف و پست متخصصین مالی آنان در اداراتمان، چهره بی نقاب تمدن مادی ناب و بی روح را به ما نشان داد و تمام زحمات مبلغین آمریکا و تبلیغات آن را در چشم مردم ایران کاملاً از میان برد. شرقی ها از آن جایی که به معنویات اهمیت بیشتری قائلند، با مشاهده دعواهای مادی- به ویژه نفتی- آنان، ناگزیر به روی برگرداندن از آنان می شوند. نمایندگانی که در شورای امنیت نشسته اند، مانند ملانصرالدین ما آن چه را که خود سوار شده اند، به حساب نمی آورند.

کسی هم نمی تواند از آمریکایی ها بپرسد که به چه حقی و بر اساس کدام قرار نیروهای آمریکا وارد خاک ایران بی طرف شده بود؟ متخصصین آمریکایی با چه صلاحیتی خود را مجاز می دانستند بر خلاف وظایفشان در امور داخلی ایران دخالت

کنند؟ شوارتسیکف کیست؟ از جان ایرانیان چه می خواهد؟ کارهای خلاف قانون دکتر میلسیو و سایر متخصصین آمریکایی هنوز از خاطر مردم ایران پاک نشده است. اکنون ما دایه های مهربان تر از مادر لازم نداریم. ما کشور خود را هزاران سال با دست خود اداره کرده ایم و بعد از این هم خواهیم کرد. هیچ نیروی خارجی نمی تواند ما را از این حق مشروع خود محروم کند. حرکت خیانت آمیز علاء مسئله تازه ای برای مردم ما نیست. ما از نقشه هایی که نیروهای ارتجاعی تحت حمایت بیگانگان در پایتخت کشورمان اجرا می کنند بی اطلاع نیستیم و دیر یا زود باید تکلیف مردم ایران با این عناصر روشن شود.

این ها می کوشند در ایران دریایی از خون بپا کنند. این ها آدم های خود فروخته ای هستند که می کوشند استقلال ما را از میان ببرند و ثروت های طبیعی ما را به بیگانگان تقدیم کنند. حرکت غیرمسئولانه علاء متوجه تاریخ تر کردن هر چه بیشتر فضاست. این امر آشنایان به اوضاع ایران را سخت به فکر کردن وا می دارد. اگر مأموری که علناً با دستورات قوه مجریه رسمی امروز ایران - یعنی حکومت آقای قوام السلطنه - مخالفت می کند، با مقامات پنهانی و غیر مسئول مرتبط بوده باشد، در این صورت مردم ایران در برابر یک رسوایی بزرگ سیاسی قرار گرفته است.

اگر اعمال علاء- وزیر دربار سابق - واقعاً به فرمان مقامات غیرمسئول باشد؛ پس او مشروطیت ایران و قانون اساسی ایران را زیر پا نهاده است و به نظر ما ملت ایران نمی تواند با این اوضاع با خونسردی برخورد نماید. اگر پرده از روی این کمدی برداشته شود آن گاه کار به جاهای باریک تری خواهد کشید و به نظر ما این به سود ایران نیست.

اکنون ایران باید کشور به تمام معنی دموکراتیکی شود و این رژیم [دموکراسی] بدون جنگ و خونریزی در سرتاسر ایران عملی گردد. ما اکنون در کنار حفظ آزادی داخلی و ملی خود به سوی این هدف حرکت می کنیم. ما برای ماندن در داخل ایران

و شریک بودن در سرنوشت ملت ایران هزاران دلیل و برهان در دست داریم. خاطر ترک ها و سایر دایه های مهربان تر از مادر جمع باشد. آذربایجان هرگز به فکر جدا شدن از ایران نبوده و نخواهد بود. ولی [امور] خودش را خود اداره خواهد کرد.

منبع: روزنامه آذربایجان، ارگان فرقه دموکرات آذربایجان

شماره ۲۱۲، ۵ شنبه ۹ خرداد ۱۳۲۵

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری